

حمیدرضا خوئی

صور نقد معماری در کتاب

معماری و اندیشه نقادانه

با آنکه نقد معماری سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد، بنیادهای نظری نقد در معماری کمابیش مغفول مانده است. کتاب *معماری و اندیشه نقادانه*^۱، نوشتهٔ وین آتو، از معدود منابعی است که به‌جد به این موضوع پرداخته و تصویری از صور نقد آثار معماری به دست داده است. جستجوی بیشتر در آنچه تا کنون در این باره منتشر شده این گمان را در ذهن جوینده قوت می‌بخشد که تا کنون کتاب استوار دیگری در این باره نوشته نشده است. تنها نمونهٔ قابل اعتنا *داوری معمارانه* از پیتر کالینز^۲ است، که آن هم نه به تمامی بحث نقد معماری، که فقط به مرحلهٔ داوری در نقد پرداخته است. حتی مقالات غنی در این موضوع نیز معدود است و یکی از پرمایه‌ترین آنها به قلم خود آتوست.^۳ فقر منبع در حوزهٔ مبانی نظری نقد خاص معماری نیست و گویی همهٔ رشته‌های هنر بدان دچارند؛ اما در دیگر هنرها وضع به وخامت معماری نیست.^۴ این وضع به ایران محدود نمی‌شود؛ اما با توجه به فراوانی تولیدات معماری در ایران، وضع ما به مراتب وخیم‌تر است. تحلیل و نقد و سنجش با تفکر ملازمه دارد و فقر نقد و نقادی و فقدان فهم نظری آن نشان از غربت تفکر دارد. یکی از اسباب اشتیاق نگارنده به بررسی کتاب اتو آرزوی پایان یافتن این غربت بوده است.

باری، در این شرح مختصر کتاب معماری و *اندیشه نقادانه* هم تلخیص و هم تحلیل شده است؛ اما نمی‌باید آن را تلخیص و نقد همهٔ کتاب تلقی کرد، زیرا هدف از تحلیل این کتاب تقرب به نقد درست بوده است — چیزی که خود اتو نیز در آغاز این کتاب از آن سخن می‌گوید. به همین سبب، دسته‌بندی اتو در انواع و صور نقد معماری بیش از باقی بخشها مدنظر قرار گرفته است تا شاید از تأمل در این دسته‌بندی

1) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, (Great Britain, John Willey & Sons, 1978).

2) Peter Collins, *Architectural Judgment*, (London, Faber & Faber, 1971) .

3) Wayne Attoe, "Theory, Criticism, and History of Architecture", *Introduction to Architecture*, (USA, McGraw-Hill, 1979) .

۴) نگارنده در جای دیگری به تفصیل دربارهٔ فقر دانش در زمینهٔ نقد معماری و ضرورت تحقیق در آن سخن گفته است: حمیدرضا خوئی، «مقدماتی در باب نقد آثار معماری»، *معماری و شهرسازی*، (اسفند ۱۳۷۹)، ص ۶۰-۶۱.



توشه‌ای برای این راه فراهم آید؛ منتها از آنجا که اتو نیز بخش اعظم کتاب خود را به معرفی و طرح انواع نقد اختصاص داده است، اخذ نتیجه درباره‌ی دسته‌بندی او با تحلیل همه‌ی کتاب فاصله‌ی زیادی ندارد.

وین اتو به منظور تشکیل کلاس درسی برای دانشجویان دوره‌ی کارشناسی معماری دانشگاه ویسکانسین^۵ در حوزه‌ی نقد معماری تحقیقی را آغاز کرد که بعدها به برنامه‌ی کلاسهای دوره‌ی دکتری در **مدرسه‌ی عالی یونیون**^۶ تبدیل شد. ثمره‌ی این تحقیق کتاب *معماری و اندیشه‌ی نقادانه* است. کتاب مذکور در سال ۱۹۷۸ منتشر شده و به این ترتیب، از منابع اواخر دهه‌ی ۷۰ میلادی است.

کتاب یک پیش‌گفتار و هفت فصل دارد. پیش‌گفتار کتاب در حکم مقدمه‌ی آن و شامل این موضوعات است: مقاصد کتاب در ایضاح نقد معماری یا به تعبیر خود کتاب، «نقد نقد معماری»؛ ضرورت تدقیق در نقد معماری؛ فقدان منابع کافی و منظم و دسته‌بندی‌شده در این زمینه؛ فواید نقد و ضرورت ارتقای آن به منظور ارائه‌ی راه‌حل برای آینده؛ شناسایی شیوه‌های نقد بدون استغراق در وجه ادبی نقد معماری. به جز این، مهم‌ترین امری که نویسنده‌ی کتاب را متوجه خود کرده و او را واداشته است تا چنین تحقیقی را صورت دهد آرزو و تمنای دست یافتن به راه و روشی در نقد معماری است که راهی به آینده باز کند؛ زیرا بنا بر گفته‌ی خود او، «نقد همواره زمانی مفیدتر است که به آینده توجه کند، نه آنکه دائماً گذشته را زخمی کند»^۷ با این اوصاف، پیش‌گفتار کتاب از پرداختن به حواشی و اشاره به نکات تشریفاتی، که معمولاً موضوع پیش‌گفتار است، فراتر می‌رود؛ در واقع مقدمه‌ای است که قصد و نیت مؤلف را معلوم می‌دارد و به کلام دیگر فرضیه‌ی او را آشکار می‌سازد.

معنای نقد، روش و مقاصد کتاب

چنانچه براساس نام کتاب و فصول آن، به محتوای فصل اول، با عنوان «نقد»، نظر کنیم؛ این فصل را نباید چون دیگر فصول کتاب به حساب آوریم؛ زیرا فصل مذکور به تفصیل به شیوه‌های نقد و نقادی نمی‌پردازد، بلکه مقدماتی برای مباحث و فصول کتاب فراهم می‌آورد.



5) University of Wisconsin

6) Union Graduate School

7) Wayne Attoe,
*Architecture and critical
imagination*, p. xii.

به همین لحاظ، اگر پیش‌گفتار کتاب را نه پیش‌گفتار (به معنای متداول لفظ)، که مقدمه کتاب فرض کنیم؛ آن‌گاه فصل اول را می‌توان مقدمه دوم کتاب به حساب آورد. تدقیق در محتوای این فصل مؤید ادعای مذکور است.

در فصل اول، ابتدا حوزه‌ها و موضوعاتی که نقد معماری در آنها مطرح می‌شود معرفی می‌گردد. در اینجا، وین اتو در ابتدا از اهمیت کار نظریه‌پردازان و خصوصاً آن دسته از مورخان معماری که در ارتقای نقد معماری سهم فراوان داشته‌اند سخن می‌گوید و در نتیجه، حوزه نظریه و تاریخ معماری را از عمده‌ترین منابع نقد آثار معماری معرفی می‌کند.^۸ علاوه بر منابع صرفاً نظری و تاریخی، از نظر او، مقالات مجلات تخصصی معماری جزو متون پراهمیت نقد معماری است.

گفته‌های معلمان و مدرسان معماری در کارگاه‌های طراحی معماری نیز، از نظر وی، نمونه‌های مهم نقد معماری است.^۹ به غیر از اینها، نویسنده از پاره‌ای زمینه‌های دیگر، که نقد در آنجاها چهره می‌نماید، خبر می‌دهد — زمینه‌هایی چون: گفتگوی طراح با مسئول دفتر طراحی و مشتری و کارفرما، معمار با مقاطعه کار، طراح شهری با مراجع تصمیم‌گیری شهر، استفاده‌کنندگان از بنا با خود بنا، قانون‌گذار با متخصص.^{۱۰}

دیگر نکته پراهمیتی که اتو در فصل اول آورده در آنجاست که درباره قصد و نیت خود از این تحقیق سخن می‌گوید و ابراز می‌دارد که می‌خواهد به دانشجوی و معمار و برنامه‌ریز و سیاست‌گذار کمک کند که شیوه‌های نقد را بفهمند تا به درستی از این ابزار استفاده کنند.^{۱۱} نکته مهم بعدی تبیین این امر است که کتاب بر تحقیقی ابژکتیو بنا شده و لذا در آن، نگاه ابژکتیو قائمه تحقیق است.^{۱۲}

بعلاوه، وین اتو در فصل اول تعریفی از نقد به مثابه «رفتار و نه داوری صرف»^{۱۳} می‌آورد و در پی آن، درباره فصول کتاب توضیح می‌دهد و آراء معماران و صاحب‌نظران و متخصصان دیگر حوزه‌های هنری را نیز درباره معانی نقد و شیوه‌های آن تبیین می‌کند. همین مطالب این حقیقت را عیان می‌کند که او شیوه‌های نقد را با نظر به

8) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p.1.

۹) نورتروپ فرای در زمینه آموزش ادبیات گفته است: «آموزش یا تدریس ادبیات ناممکن است، آنچه می‌توان آموزش داد نقد است.» نک: Attoe, *ibid*, p. xx Northrop Fry, *The Stubborn Structure*, (Ithaca, Cornell University Press, 1970). P. 75

10) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, pp. 2-3.

۱۱) اینجا او تأکید می‌کند که نقد را باید وسیله‌ای برای ارتقای معماری تلقی کرد؛ و به همین سبب آن را به مثابه ابزار نگریسته است.

۱۲) این سخن مهم حاکی از جنس نگاه اوست — نگاهی که در آن موضوع مطالعه ابژه و شیء است و میان محقق و موضوع تحقیق جدایی می‌افتد. نک: Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 2.

13) *ibid*, p. 3.

۱۴) وی نوشته است: «شیوه‌های نقدی که این جا معرفی شده از جای دیگری اقتباس شده است. برخی از انواع آن در نقد ادبی و هنری پیدا شده است و باقی منحصر به معماری و طراحی شهری است.» نک:

Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 8.

15) normative criticism

16) interpretive criticism

17) descriptive criticism

18) Wayne Attoe,

Architecture and critical imagination, p. 11

19) A. W. N. Pugin

20) Wayne Attoe,

Architecture and critical imagination, p. 12

به نقل از:

A. W. N. Pugin, *The True Principles of Pointed or Christian Architecture*, (London, John Weale, 1841), p. 1.

21) Wayne Attoe,

Architecture and critical imagination, p. 12

جمله نقل شده

“Form follows function.”

شعار معروف لویی سولیوان

(Louis Henry Sullivan,

1856-1924)

است.

22) doctrinal criticism

23) systematic criticism

24) typal criticism

25) measured criticism

26) “Less is more.”

شعار میز ون درروه

(Ludwig Mies Van Der

Rohe , 1886-1969)

شیوه‌های نقد ادبی شناسایی و در نتیجه، پاره‌ای از شیوه‌های نقد معماری را با اقتباس از دسته‌بندیهای مرسوم در حوزه نقد ادبی معرفی کرده است؛ اگرچه می‌افزاید که پاره‌ای از شیوه‌های استنباطی‌اش منحصر به حوزه معماری و طراحی شهری است.^{۱۴}

انواع نقد معماری

نویسنده در فصلهای دوم و سوم و چهارم کتاب ده نوع نقد معماری را در سه دسته معرفی کرده است. بر این اساس، انواع نقد در سه دسته معیاری (هنجاری- ارزشی)^{۱۵} و تفسیری^{۱۶} و توصیفی^{۱۷}، هر کدام در یک فصل از کتاب، جای گرفته است.

آتو نقد معیاری را چنین معرفی کرده است: «نقد معیاری بر این عقیده استوار است که در جایی بیرون از ساختمان یا مجموعه شهری، سرمشق و الگو و قاعده و قانونی وجود دارد که ارزش و موفقیت اثر با آن سنجیده می‌شود.»^{۱۸} مؤلف معتقد است که نقد معیاری ممکن است کاملاً فیزیکی و قابل اندازه‌گیری باشد، همچون معیار ارتفاع دست‌انداز پله؛ یا آنکه فیزیکی باشد، اما قابل اندازه‌گیری نباشد، همچون قواعد شکلی و ظاهری کلیساهای قرن پانزدهم انگلستان، که به اعتقاد پاگین^{۱۹} می‌بایست اساس و ملاک کلیساهای معاصر او در قرن نوزدهم قرار می‌گرفت.^{۲۰} علاوه بر این، به گفته نویسنده، معیار ممکن است کاملاً کلی باشد؛ همچون شعار معروف «فرم از کارکرد تبعیت می‌کند.»^{۲۱}

چهار نوع نقد معیاری فصل دوم عبارت است از: نقد نظریه‌ای (نظریه‌گرا)؛^{۲۲} نقد مبتنی بر دستگاه فکری (نقد دستگاهی یا نظام‌مند یا منظومه‌ای)؛^{۲۳} نقد گونه‌ای؛^{۲۴} نقد کمی یا مقیاسی.^{۲۵} در نقد نظریه‌ای، اصلی اساسی و عمومی و سنجش‌ناپذیر وجود دارد که نقد بر آن مبتنی است. آتو شعارها و ادعاهایی چون «فرم از کارکرد تبعیت می‌کند»، «هرچه کمتر بهتر»^{۲۶}، «تزیین جنایت است»^{۲۷}، «ساختمانها باید آن‌گونه باشند که خود می‌خواهند»^{۲۸}، «خانه باید از تپه باشد، نه آنکه بر تپه باشد»^{۲۹} را معیار و ملاک نقد هنجاری (نقد معیاری) می‌داند.

به اعتقاد مؤلف کتاب، داشتن نظریه یا دکتترین، علی‌رغم آنکه ممکن است برای طراح نیروبخش باشد، برای منتقد بسیار خطرناک

است؛ زیرا سبب می‌شود که منتقد مدام به قاعده‌سازی برای قضاوت بپردازد و از تعمق و تأمل در مطلب بازماند. نکته دیگر این که چون نقد نظریه‌ای مجموعه‌ای از معیارهای انتزاعی را ملاک قرار می‌دهد، امکان آزمایش عینی و تجربی آن وجود ندارد.

از آنچه مؤلف درباره نقد نظریه‌ای آورده است معلوم می‌شود که این گونه نقد در واقع از خوبها و بدها، زشتها و زیباها و اصولاً بایدها و نبایدها سخن می‌گوید؛ و چون معیارهای آن کاملاً ذهنی و انتزاعی و بالمآل سلیقه‌ای است، شاید بتوان آن را نقد ارزشی نیز نامید.

نقد منظومه‌ای گونه‌ای از نقد معرفی شده که در آن، ناقد هیچ‌گاه خود را در حصار نظریه‌ای قاطع و صریح قرار نمی‌دهد و به این ترتیب، خرده‌گیران نمی‌توانند بر کار او انگ ساده‌انگار و ناکارآمد و تاریخ مصرف‌دار بزنند. منتقدی که بر منظومه یا دستگاه فکری معمارانه‌ای اتکا می‌کند به مجموعه به‌هم‌بافته‌ای از اصول و قواعد معمارانه چنگ می‌اندازد که با آن، می‌توان در ساختمان یا مجموعه شهری معینی دقت کرد و پیچیدگیها و حواجی متعدد انسانی آن را ملاحظه کرد. از نظر آتو، تعریف ویتروویوسی^{۳۰} از سه وجه «راحتی و استحکام و سرور»^{۳۱} نوعی دستگاه نظری را پیش چشم مخاطب قرار می‌دهد که از منظر آن، می‌توان جنبه‌های مختلف بنا را بررسی و تحلیل کرد. آتو می‌افزاید که «بسیاری از دستگاههای نظری دیگر، که امروز استفاده می‌شود، صورتها و قرائتهای دیگری از همین اصول ویتروویوسی است»^{۳۲} و در این جهت، تعبیر آلبرت بوش براون^{۳۳} را مثال می‌زند که می‌گوید بنا را باید از این جهات بررسی کرد: «ممکن است ویران شود، ممکن است به اهداف^{۳۴} خود پاسخ ندهد، ممکن است که اثری هنری نباشد.»^{۳۵} در این زمینه، شیوه جان راسکین^{۳۶} نیز معرفی می‌شود:

من می‌خواهم که بنا چنین باشد:

(۱) خوب کار کند و به خواسته‌های ما به بهترین نحو پاسخ دهد؛

(۲) خوب سخن بگوید و توقع ما از او را به شیوایی بیان کند؛

(۳) خوش‌ظاهر باشد و ما را با حضور خود خرسند کند، جدا از آنکه

27) "Ornament is Crime."
قول مشهور آدولف لوس
(Adolf Loos, 1870 1933).

28) "Buildings should be
what they want to be."

29) "A house should be of
and not on the hill
where it sits."

(۳۰) منسوب به ویتروویوس
(Marcus Vitruvius Pollio)،
معمار رومی اواخر قرن دوم
میلادی و صاحب تألیفی مهم به
نام ده کتاب معماری
(*The Ten Books on
Architecture*)-ed.

31) "Firmness,
Commodity and Delight."
See: Marcus Vitruvius
Pollio, *The Ten Books on
Architecture*, transl. by
Morris Hicky Morgan,
(New York, Dover
Publication, 1960), p. 17
برای اطلاع بیشتر از آراء
ویتروویوس در باب حوزه‌های
دانش ضروری برای معماری
نک: ویتروویوس، «در تعلیم
معمار»، ترجمه ریما فیاض،
معماری و فرهنگ،
سال اول، ش ۴
(بهار ۱۳۷۹)، ص ۱۹-۲۳.

32) Wayne Attoe,
*Architecture and critical
imagination*, p. 21

33) Albert Bush-Brown
(۳۴) به نظر می‌رسد در اینجا مراد
گوینده از اهداف اهداف
کاربردی است و نه اهداف
زیبایی‌شناسانه.



قرار است چه بکند و چه چیز را بیان کند.^{۳۷}

آتو معتقد است که گاه نقد منظومه‌ای آن قدر به افراط می‌گراید که به نقد نظریه‌ای نزدیک می‌شود.

مؤلف انواع دیگری از نقد منظومه‌ای را معرفی می‌کند که دغدغه اصلی در آن میزان موفقیت اثر در تقرب به اهداف طرح است. از آنجا که در هر بنا اصول و قواعدی وجود دارد که خاص آن بناست، در این‌گونه نقد چنین اصول و قواعدی را به کار می‌گیرند تا معلوم کنند که وفاداری بدانها تا چه حد است. آتو می‌افزاید که در سنت نقد ادبی و هنری، این گونه را **نقد فرمالیستی** (شکل‌گرایانه)^{۳۸} نام نهاده‌اند. در این روش، مباحثی چون تاریخ و اقتصاد و امثال اینها خارج از موضوع تلقی می‌گردد. نویسنده کتاب با استناد به یکی از نقدهای آدا لوئیز هاکستابل^{۳۹} تصریح می‌کند که ممکن است چنین به نظر رسد که در این روش، به شکل و صورت اثر توجه می‌شود؛ اما در واقع، در آن اعتقاد و ابتنا به نحوی نظریه مضمّر است. این نظریه اصلی از این ارزش حکایت می‌کند که «می‌باید طرح ساختمان از بیرون تا درون و از بخشی تا بخش دیگر یکسان باشد».^{۴۰}

نقد گونه‌ای روشی معرفی شده که بر اساس انواع ساختاری-کاربردی یا همان گونه‌ها شکل گرفته است.^{۴۱} اغلب قایلان به این شیوه معتقد بوده‌اند که

چون در میان احتیاجات و نیازهای انسان، در طی تاریخ، همواره تداومی وجود داشته است؛ در بناهایی که محل پاسخ به این نیازها بوده نیز می‌باید چنین تداومی دیده شود. این تداوم پاسخ به نیازهای معینی است که مقوم گونه‌هاست؛ و اصلاً معیار قضاوت آنها این است که آیا این تداوم رعایت شده است یا خیر؟^{۴۲}

وین آتو از سه وجه مشخص در تحلیل بناها بر طبق نقد گونه‌ای سخن می‌گوید: «سازه و کاربرد و صورت»؛^{۴۳} و می‌نویسد: «نقد گونه‌ای، که به سازه توجه دارد، آثار را با توجه به مصالح و الگوهای فنی — که اثر را شکل داده است — ارزیابی می‌کند»؛^{۴۴} و از باب مثال، نقد مرکز تحقیقات پزشکی^{۴۵} کان^{۴۶} را، که با توجه به مسائل تأسیساتی

35) Wayne Attoe, *Architecture and Critical Imagination*, p 24. Albert Bush-Brown.
به نقل از:
"Noted Toward a Basis for Criticism", *Architectural Record*, (126, 4, Oct), p 184.

36) John Ruskin, ۱۸۱۹-۱۹۰۰، معمار و نویسنده و منتقد هنر اهل بریتانیا. — و.

37) Wayne Attoe, *Architecture and Critical Imagination*, p 21 .
به نقل از:
John Ruskin, *The Stones of Venice*, (London, Routledge, 1851) vol. 1, pp. 39-40.

38) formalistic criticism

39) Ada Louise Huxtable

40) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 33

41) ibid, p. 33

42) ibid, p. 34

43) ibid, p. 34

آن انجام شده است، نام می‌برد. همچنین می‌گوید در آن نوع نقد گونه‌ای که به نکات کاربردی حساس است، هر اثر با بناهایی که با آن مشابهت موضوع دارند مقایسه می‌شود؛ و به این ترتیب، هیچ‌گاه مدرسه را نمی‌باید با تالار شهر مقایسه کرد؛ زیرا لزومی ندارد که مدرسه همچون تالار شهر شکل یادمانی داشته باشد؛ اما آن نوع نقد گونه‌ای که به نکات صوری نظر دارد به گونه‌ها و شکلها و صورتهای خالص مستقل از کاربریشان توجه می‌کند. مؤلف در این زمینه از کار ویلیام مک دانالد^{۴۷} در تحلیل پانتئون^{۴۸} یاد می‌کند که وی چگونه پس از تفسیر تاریخ پانتئون از آثاری چون کارهای تامس جفرسون^{۴۹}، که از شکل پانتئون متأثر است، نام می‌برد.^{۵۰}

گاه نقد گونه‌ای برای طبقه‌بندی راه‌حلهای مختلف مسائل بنا به کار رفته است. همچنین، به اعتقاد آتو، نشانه‌شناسی^{۵۱} از دیگر انواع بروز و ظهور نقد گونه‌ای است. به نظر وی، نشانه‌های فرهنگی خود مایه به وجود آمدن نحوی از نقد گونه‌ای می‌شود.

در نقد کمی، از معیارهای عددی، که دقت بسیار دارد، استفاده می‌شود و آن معیارها ملاک داوری قرار می‌گیرد. معیارها ممکن است حداقلهای لازم، حد وسطها، یا شرایط مرجح را نشان دهند. ارتفاع لازم سقف و اندازه درگاهها و امثال اینها ممکن است از انواع معیارهای کمی باشد. معیارهای کمی ممکن است از ضروریات اقتصادی ناشی شوند و الزاماتی را که از این جهت برای طراحی به وجود می‌آید شرح دهند. فی‌المثل، در کتاب ویتروویوس آمده است که «اتاق غذاخوری می‌باید طولی دو برابر عرض داشته باشد».^{۵۲} این حکم از مصادیق معیار کمی است.

وین آتو مطالعات مبتنی بر علوم رفتاری و روان‌شناختی و احکام حاصل از این علوم را نیز از مصادیق معیارهای کمی می‌داند. عادت ذهنی در تداعی کلیسا با بامی برافراشته و برجی مخروطی از زمره معیارهای کمی است که حاصل مطالعه در حوزه ادراک محیط^{۵۳} است. همچنین مطالعات مبتنی بر تدوین پرسش‌نامه و پاسخ ساکنان محیط به آن و طبقه‌بندی پاسخها و تحلیل داده‌ها منتقد را به سوی احکامی

44) ibid, p. 34

45) Medical Research Laboratory

46) لویی کان (Louis Isadore Kahn) , معمار استونیایی ۱۹۰۱-۱۹۷۴، مقیم امریکا. - و.

47) William Mac Donald

48) Pantheon, بنایی که در سال ۲۷ ق م در رم ساخته و در قرن دوم میلادی به کلیسا بدل شد. - و.

49) Thomas Jefferson
50) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 37 .
به نقل از: William Mac Donald, *The Pantheon*, (Cambridge, Harvard, 1976), p. 114.

51) semiotics
52) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 44

به نقل از: Vitruvius Pollio, *The Ten Books on Architecture*, p. 179.

53) environmental perception



رهبری می‌کنند که می‌توان آنها را ملاک نقد کمی قرار داد. البته نویسنده خود پاره‌ای از مشکلات چنین معیارهایی و اما و اگرهای آنها را خاطر نشان می‌سازد؛ و علاوه بر شرح مشکلات این راه می‌گوید که این روش گاه به چنان خلاصه و ساده کردن امور ادراکی و روانی می‌انجامد که تک‌بعدی می‌نماید.^{۵۴}

نقد تفسیری بسیار شخصی تلقی می‌شود و منتقدی که مطابق این روش پیش می‌رود مدعی تعلق به هیچ نظریه یا دستگاه فکری یا معیار خاصی نیست و البته ارزیابی عینی و محاسبه‌ای نیز به دست نمی‌دهد:

... در عوض، منتقد اهل تفسیر می‌خواهد که نظرگاه دیگران را چنان تغییر دهد که مسائل را چون او ببینند. به این منظور، یا چشم‌انداز جدیدی از موضوع به دست می‌دهد، یا راه جدیدی برای دیدن آن معرفی می‌کند (که معمولاً با طرح استعاره‌هایی است که از طریق آنها می‌توانیم بنا را ببینیم)، یا با استعداد هنری باطنی خویش، احساسات بیننده را چنان هدایت می‌کند که دریافت او مشابه تجربه خودش باشد...^{۵۵}

54) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 48.

55) *ibid*, p. 49

56) *advocatory criticism*

57) *evocative criticism*

58) *impressionistic criticism*

59) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, pp. 49-50 .

60) Charles Jencks

61) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 58

به نقل از:
Charles Jencks, *Modern Movements in Architecture*, (Garden City, Anchor, 1973), p 13 .

مؤلف کتاب نقدهای تفسیری را به سه دسته **نقد جانب‌دارانه**^{۵۶} و **نقد القایی**^{۵۷} و **نقد ذوقی**^{۵۸} تقسیم کرده و برای هر یک شرحی مفصل نگاشته است.

درباره **نقد جانب‌دارانه** چنین آمده است:

منتقد جانب‌دار در وهله اول تحسین دیگران را برمی‌انگیزد، نه اینکه داوری کند. فی‌الواقع، او پیش از این قضاوت خود را انجام داده است، لکن اکنون می‌خواهد ما را متقاعد به قبول فتوای خود کند.^{۵۹}

چنین منتقدی مدام از استعاره‌های مختلف برای فهماندن اثر (مطابق نظر خود) استفاده می‌کند؛ و لذا از دیدگاه آتو، مطلب مهم در این‌گونه نقدها یافتن استعاره کلیدی است. استفاده فردی چون جنکس^{۶۰} از تعبیری مانند «مجموعه‌ای از حرکت‌های منقطع»^{۶۱} برای معماری صد سال گذشته غرب از این قبیل تفاسیر معماری است. به نظر آتو، استعاره‌های نقدهای جانب‌دارانه در بسیاری از اوقات



ناشی از تفسیر منتقد از اثری مشخص نیست، بلکه حاکی از نگاه کلی وی به جهان یا بخشی از جهان است؛ و بدین ترتیب، یکی از اظهارنظرهای لوکوربوزیه^{۶۲} را، که در آن تمدن غرب بر لبه پرتگاه و بدون امکان استفاده از ترمز تصور شده است، از مصادیق چنین نگاهی معرفی می‌کند.^{۶۳}

نقد القایی، به جای آنکه بر شیوه نگاه ما اثر بگذارد، احساسات ما را مخاطب قرار می‌دهد. برخلاف نقد جانب‌دارانه، که بالاخره به عقلانیت تظاهر می‌کند، نقد القایی فقط با حوزه احساس سروکار دارد؛ مثلاً، پیتر گرین^{۶۴} در ارزیابی قطار زیرزمینی لندن می‌نویسد: «ای لندن، من از رودهای تو پایین رفتم، از میان دهانت، از میان لبهای آلوده‌ات، ... از پله برقیهای تمام‌نشدنی‌ات، ...»^{۶۵}

منتقد القاگر گاه از شعر و کلام منظوم و گاه از تصویر و استعاره گرافیکی برای منتقل کردن احساس خود استفاده می‌کند؛ و اصولاً چنین منتقدی ممکن است از هر وسیله و ابزار هنری‌ای برای چنین القایی سود ببرد.^{۶۶}

در **نقد ذوقی**، منتقد به هنرمند تبدیل می‌شود و نقد به اثر هنری. در این نوع نقد، اثر معماری دیگر موضوع نقد نیست؛ بلکه محمل خلق اثر هنری‌ای است که به واسطه نقد معماری شکل گرفته است. آتو درباره روش ذوقی از قول وایلد^{۶۷} می‌نویسد که در این روش، منتقد تفسیری شخصی عرضه می‌کند که «قائم به خود اوست و قرار نیست که با معیاری سنجیده شود و یا حتی فایده‌ای داشته باشد».^{۶۸}

در چنین نقدی، ممکن است شاعری با به هم ریختن کلمات و کنار هم قرار دادن آنها به صورتی خاص شکل برج ایفل را تداعی کند، یا عکاسی تصویری هنری بسازد که موضوع آن فراتر از معماری و در حوزه هنر عکاسی باشد، اگرچه موضوع آن ممکن است افق شیکاگو و برج هنکاک^{۶۹} باشد.^{۷۰}

گاه اثر معماری نیز به ابزار نقد ذوقی تبدیل شده است؛ مثلاً، کارهای معماری گروه سایت^{۷۱} واکنشی منفی و در حقیقت، «اهتزاز خیالی است که در آن، ساختمان ابزاری برای اجرای نمایشی عالی با

62) Le Corbusier, نام مستعار ادوار زاتره، ۱۸۸۷-۱۹۶۵، معمار فرانسوی سوییسی‌الاصل و از پیشگامان معماری مدرن. - و.

63) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 59 به نقل از: Le Corbusier, *Towards a New Architecture*, transl. Frederick Etchells, (New York, Praeger, 1968).

64) Peter Green

65) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 61 به نقل از: Peter Green, "Journey to London Underground, in Impressions", *Architectural Journalism and Criticism Workshop*, (Summer 1974).

66) See: Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, pp. 61-73

67) Oskar Wild, ۱۸۵۴-۱۹۰۰، شاعر و نویسنده و طنزنویس انگلیسی. - و.

68) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 74 به نقل از:

Oskar Wild, "The Critic as Artist", *Works*, (New York, Walter J. Black, 1927), p. 567.

69) John Hancock Tower 70) See: Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 76 .

آجر و ملحقات آن می‌نماید.»^{۷۲}

بنا بر نظر آتو، **نقد توصیفی** بیش از دیگر انواع نقد بر حقایق استوار است. این نقد درگیر قضاوت یا حتی تفسیر نیست، بلکه به ما کمک می‌کند تا آنچه را واقعاً هست ببینیم. سه گونه نقد زیرمجموعه نقد توصیفی قرار می‌گیرد: **نقد تشریحی**؛^{۷۳} **نقد زندگی‌نامه‌ای**؛^{۷۴} **نقد زمینه‌ای**.^{۷۵} نقد تشریحی نیز خود به سه روش جزئی‌تر تقسیم می‌شود: نقد تشریحی - وجوه ایستا؛ نقد تشریحی - وجوه پویا؛ نقد تشریحی - روالی.

نقد تشریحی از نظر بسیاری اصلاً نقد نیست، چون کاری به خوبها و بدها ندارد. در این نقد، اثر به سادگی توصیف می‌شود؛ اما در عین حال، منتقد توجه ما را به مشاهده وجوه خاصی از موضوع هدایت می‌کند و ما را وامی‌دارد که آن نکات را به دقت ببینیم تا به این ترتیب، تجربه‌ای تازه و فهمی جدید فراهم آید. اینها نکاتی است که آتو در ایضاح نقد تشریحی آورده است؛ لیکن باید متذکر شد که اگر در نقد تشریحی، منتقد نگاه مخاطب را به مشاهده جایی یا چیزی هدایت می‌کند و ظاهراً جز توصیف، کار دیگری نمی‌کند؛ در اغلب اوقات، همه این کارها مسبوق به تحلیل و تفسیر و فهم خاص او از اثر است؛ زیرا اگر پیش از این متوجه اهمیت نکته‌ای در اثر نشده و آن نکته معمارانه را به درستی درک نکرده باشد، دیگر هدایت نظر مخاطب نقد به آن نکته وجهی ندارد. به بیان بهتر، او چیزی را پیشاپیش تفسیر و تحلیل کرده است؛ منتها، در مقاله و نوشته خود چیزی از آنچه خود دریافته بروز نمی‌دهد، بلکه مخاطب را به نحوی وادار به توجه به نکاتی خاص در اثر می‌کند تا او خود به نتیجه‌ای مشابه و همسان ناقد برسد. لذا نقد تشریحی اگرچه ظاهر توصیفی دارد، صرف توصیف نیست و مسبوق به تفسیر و داوری و قضاوت پیشین منتقد است.

71) Site

72) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 76

73) depictive criticism

74) biographical criticism

75) contextual criticism

باری، همچنان که نویسنده در کتاب خود آورده است، **منتقد تشریحی** توجه خواننده یا شنونده را به پاره‌ای از وجوه ساختمان جلب می‌کند و البته بالتبع، از وجوهی دیگر عمداً غفلت می‌کند. او در جلب توجه خواننده به نکته‌ای خاص ممکن است کار را چنان ادامه

دهد که از کار او نوعی نقد تفسیری و القایی و جانب‌دارانه نیز سر برآورد؛ اما نکته مهم در کار منتقد تشریحی این است که او پیوسته به خود بنا رجوع می‌کند. از این حیث، به نقد فرمالیستی تقرب می‌یابد؛ اما چون از توسعه استعاره‌های مفصل احتراز می‌کند، از آن گونه نقد فاصله می‌گیرد.^{۷۶}

بنا بر نظر مؤلف کتاب، نقد تشریحی اگر ناظر بر وجوه ایستا باشد، به شکل و مصالح و اصولاً ظاهر بنا توجه می‌کند و اگر به وجوه پویا بپردازد، از شیوه استفاده از فضا سخن می‌گوید. به عبارت دیگر، تدقیق در وجوه پویا «به ما نخواهد گفت که بنا از چه ساخته شده است، بلکه به ما می‌گوید که چگونه از آن استفاده می‌شود».^{۷۷} در این گونه از نقد، به پرسشهایی از این قبیل توجه می‌شود:

مردم چگونه در فضا حرکت می‌کنند؟ آنجا چه رخ می‌دهد؟ تجربه فرد در مواجهه با محیطی فیزیکی چه مراحل دارد؟ چگونه بنا از وقایع درون یا اطراف خود اثر می‌پذیرد؟^{۷۸}

این پرسشها جزو موضوعات مهم چنین گونه‌ای از نقد معماری به حساب می‌آید. در واقع، تشریح وجوه پویای هر اثر معمارانه سبب می‌شود که با توجه به واقعیت آن اثر، موفقیت یا شکست آن و اصولاً شیوه رابطه‌اش با زندگی مردم معلوم شود.

وین آتو صورت دیگر نقد تشریحی را نقد روالی^{۷۹} نام نهاده است. بنا بر شرح خود او، چنین نقدی از مسیر پدید آمدن محیطی فیزیکی خبر می‌دهد. او می‌نویسد:

از آنجا که اغلب نقدها اطلاعاتی از اثر به خواننده می‌دهند، الزاماً بعد از وقوع اثر نوشته می‌شوند؛ و بنابراین چندان در تصمیم‌گیری اولیه [یعنی پیش از ساخته شدن اثر] مؤثر نیستند. در واقع، پیش از نقد، ساختمان طراحی شده و طرح محوطه آن نیز اجرا شده و پس از آن است که منتقد با به عرصه می‌گذارد. نقدی که به مسیر کار توجه کند شاید در ایجاد اصلاحات مؤثرتر باشد؛ زیرا اگر ما بدانیم که بناها چگونه ساخته می‌شود و چگونه تغییر می‌کند و چگونه ویران می‌شود، آن‌گاه بهتر می‌توانیم در ماجرای به وجود آمدنشان مداخله کنیم.^{۸۰}

76) Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 85

77) *ibid*, p. 93

78) *ibid*, p. 93

79) *procedural criticism*



بر این اساس، هرگاه که نقد به تشریح جریان مطرح شدن موضوعی برای طراحی، تصمیمها و قضاوت‌های دخیل در انتخاب طرح، نظرها و مداخلات اجتماعی در انتخاب طرح، مسائل برنامه‌ریزی و حتی اتفاقاتی که برای بناهای موجود رخ می‌دهد و امثال اینها پردازد، جزو نقد رویه‌ای قرار می‌گیرد.

نقد زندگی‌نامه‌ای، مطابق نظر آتو، برای مخاطب زمینه‌ای را فراهم می‌کند که در آن، نکات بیشتری از بنا را بفهمد. هدف از نقد زندگی‌نامه‌ای این است که منطق پیشرفت هنرمند را بفهمیم تا بتوانیم نیت او را در هر یک از کارهایش ببینیم. «این تشخیص زمینه‌هایی را معلوم می‌کند که بدون دانستن آنها، داورى کور و تحمیلی خواهد بود.»^{۸۱}

توجه به نکاتی چون اشتغال دوم لوکوربوزیه به نقاشی و ارتباط ارو سارینن^{۸۲} با پدر معمارش و تربیت میز و ندرروه در مدرسه کلیسای جامع آخن^{۸۳} و آموزش بر پایه اصول نوتومایی^{۸۴} یا پرداختن به سوابق خانوادگی معمار و مشخصات اقلیمی جایی که او در کودکی در آن زندگی می‌کرده است و بنیه ضعیف هنرمند در طی زندگی‌اش و امثال اینها از نمونه‌های نقد زندگی‌نامه‌ای به حساب می‌آید.^{۸۵} در نقد زندگی‌نامه‌ای، به حقایق خام زندگی کمتر توجه می‌شود و اغلب به شناسایی الگوهای محرک و فشارها و کشمکشهایی که در زندگی رخ می‌دهد توجه می‌شود و بنابراین به رمان شباهت می‌یابد.^{۸۶} تفسیر زندگی حتی ممکن است محملی برای تبلیغ نظریه‌ای خاص شود:

روایت فرویدی یا مارکسیستی یا کاپیتالیستی از داستان زندگی فرد و قایع را در قالب تفاسیر خاصی قرار می‌دهد که بیش از هر چیز، مؤید ادعاهای مستتر در آن نظریه‌هاست...^{۸۷}
آتو می‌افزاید که همچنان‌که در نقد ذوقی دیده شده است، زندگی‌نامه معمار ممکن است به محملی برای خلق اثری ادبی تبدیل شود. در این صورت، بسیاری از حقایق مغفول می‌ماند و معمار به موجودی دیگر بدل می‌شود.^{۸۸}

80) *Architecture and critical imagination*, p. 97

81) *ibid.*

به نقل از:
John Dewey, *Art as Experience*, (New York, Minton, 1934), p. 312.

82) *Eero Saarinen*, ۱۹۱۰-۱۹۶۱، معمار فنلاندی مقیم امریکا. - و.

83) *Aachen* شهری در غرب آلمان. - و.

84) *Neo-Thomistic*

۸۵) «... تعلیمات نوتومایی وی در مدرسه کلیسای جامع آخن شکل گرفت؛ و به نظر می‌آید که در همین مدرسه، ایده شفافیت ذهن و برابری زیبایی با حقیقت در ضمیر او شکل گرفته باشد.» - درباره قول چارلز جنکس درباره میز و ندرروه، نک:
Wayne Attoe, *Architecture and Critical Imagination*, p.

101;

به نقل از:

Charles Jencks, *ibid*, p. 105.

86) See: Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p. 102.

87) *ibid*, p. 103.

88) See: *ibid*, p. 103.

آتو در شرح نقد زمینه‌ای می‌نویسد:

برای فهم کامل هر بنا، نوع دیگری از اطلاعات توصیفی وجود دارد که به طور اخص، اخباری درباره مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی طرح آن را شامل می‌شود.^{۸۹}

در چنین نقدی، پرسشهایی از این دست نقد را هدایت می‌کنند: چه فشارهایی بر طراحان و کارفرمایان وارد می‌شود؟ چه امکاناتی مهیا بوده است؟ کدام موانع برطرف نشده است؟

او برای فهم بهتر چنین نقدی بخشی از کار مایکل باوم^{۹۰} را در شرح مسائل سیاسی مؤثر در طرح ساختمان اپرای سیدنی مثال می‌زند و نشان می‌دهد که چگونه تعجیل کارفرما برای اجرای بنا، که ناشی از پاره‌ای مصلحت‌بینیهای سیاسی بود، سبب شد که پی‌ریزی بنا، علی‌رغم توصیه اوتزن^{۹۱} و مهندس طرح، پیش از اتمام طراحی آغاز شود — کاری که خسارات جبران‌ناپذیری داشت.^{۹۲} این دقت‌های نقادانه کمک می‌کند که آثار تصمیم‌های خارج از حوزه معماری (و در واقع اثر عوامل ناشی از زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امثال اینها) در اثر معماری توضیح داده شود.

دسته‌بندی انواع نقد از نظر وین آتو

فصلهای دوم تا چهارم پاره‌های اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند و صور نقادی معماری را (به زعم نگارنده کتاب) به صراحت و روشنی معرفی می‌کنند. چنان‌که پیش‌تر آمد، فصل اول مقدمه این سه فصل اصلی کتاب محسوب می‌شود و سه فصل پنجم تا هفتم مباحث تکمیلی نقد را بیان می‌دارند. فصل پنجم اصلاً درباره بلاغت نقد است و به زبان نقدنویسی و کلام نقادانه می‌پردازد و تمهیداتی را که مایه فهم بهتر نقد می‌شود بیان می‌کند. لذا تمهیدات بلاغی، از قبیل استعاره و طنز و نمایاندن تعارضها و مقایسه تطبیقی و اغراق و تعبیر، تشریح می‌شود. فصل ششم به جایگاهها و نقاطی می‌پردازد که حضور نقد در آنها لازم است؛^{۹۳} و فصل هفتم اساساً درباره فایده نقد و آن چیزهایی است که از نقد به دست می‌آید یا باید به دست آید.^{۹۴} با این اوصاف، روشن است

89) ibid, pp. 103-104.

90) Michael Baume

91) Yorn Utzon,
۱۹۱۸-، معمار دانمارکی که بیشتر به سبب طراحی اپرای معروف سیدنی (the Sydney Opera House) در استرالیا شهرت یافت. -و.

۹۲) «چون نخست‌وزیر اکثریت ضعیفی را در هیئت رئیسه مجلس ایالتی حزب کارگر، که به میزان ۳۴ رأی در مقابل ۱۷ رأی بود، در اختیار داشت...»

تصمیم گرفت که کار را با همین تعداد رأی جلو ببرد، بدون آنکه وضع طرح را در نظر بگیرد... با این وضع معلوم می‌شود که چرا برخلاف توصیه اوتزن و مهندس او، پی‌ریزی ساختمان پیش از اتمام طراحی آغاز شد... پیامدهای این تصمیم وحشتناک فقط میلیونها دلاری نبود که صرف ساختن دوباره چیزهایی شد که خراب شده بود...» — Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, p.105.

به نقل از: Michael Baume, *The Sydney Opera House Affair*, (Melbourne, Nelson, 1967), p. 9.

که عمده‌ترین مباحث کتاب سه فصل دوم و سوم و چهارم است. در واقع، این سه فصل با معرفی انواع نقد اطلاعات ارزشمندی در اختیار کسی می‌گذارد که بخواهد درباره انواع نقد تحقیق کند و به نتیجه‌ای درباره آداب نقد درست دست یابد. بر این اساس، پس از بررسی شیوه‌های استخراج شده در این کتاب، لازم است که یک بار به آنچه از تدقیق در آن به دست آمده است نظر کنیم.

در ظاهر، آتو سه دسته عمده نقد معیاری و تفسیری و توصیفی را تعریف کرده و در هر دسته، انواع جزئی‌تر آن را مشخص ساخته است. در ابتدا، چنین به نظر می‌رسد که شیوه‌های مذکور از هم مستقل و مجزاست و هر یک مبلّغ راه ویژه‌ای در نقد معماری است؛ لیکن در نظری دقیق‌تر می‌توان دریافت که شیوه‌های مذکور مستقل از یکدیگر نیست؛ بلکه همان طور که خود نویسنده نوشته است، گاه ممکن است شیوه‌ای به شیوه دیگر منتهی شود یا یکی در مقدمه دیگری واقع شود و یا اصلاً از یک شیوه به منزله ابزاری برای تحقق شیوه‌ای دیگر استفاده شود. به این ترتیب، می‌باید دسته‌بندی آتو را دسته‌بندی طعمها و مزه‌ها و ذائقه‌های مختلف نام نهاد.^{۹۵} به عبارت دیگر، دسته‌بندی او بیشتر معرف فنون و ترفندها و تمهیدهای مختلف و اذواق و روحیه‌های گوناگون در نقد معماری است تا معرف مکاتب و نظریات صریح نقد معماری — مکاتبی که هر یک مبادی و اصول روشن و مستقلی داشته و اصلاً مدعی ضرورت نقد فقط از طریق مختار خود باشد. برای درک بهتر از حقیقت نظام پیشنهادی وین آتو درباره انواع نقد معماری، لازم است که دوباره در باطن آن تأمل شود.

به مجرد آنکه نام سه دسته نقد معیاری و تفسیری و توصیفی به میان می‌آید، ممکن است خواننده گمان برد که اساس این تقسیم‌بندی بر شیوه نقد و روش‌شناسی نقادی است؛ یعنی یک بار معیارهایی به میان می‌آیند و نقد را راهبری می‌کنند و یک بار موضوع نقد تفسیر و بار دیگر، توصیف و تشریح می‌شود؛ به همین ترتیب، در نقد معیاری، یک بار معیارها از شعارهای معمارانه برمی‌خیزند و یک بار از نوعی فهم معمارانه و بار دیگر از گونه‌شناسی و در نهایت، از کمیتهای تثبیت

۹۳) از این قبیل است: در هنگام طراحی یا همان انتقاد از خود؛ در هنگام تصمیم‌گیری درباره طرحها؛ در مقالات و متون نقادانه در کتابها و نشریات معماری؛ در آموزش معماری؛ در قضاوت و داوری. نک:

Wayne Attoe, *Architecture and critical imagination*, pp. 129-161.

94) See: *ibid*, pp. 163-167.

۹۵) می‌توان برای انواع این مفاهیم مفهوم لحن نقد را برگزید.

شده سخن به میان می‌آید؛^{۹۶} در نقد تفسیری هم، تفسیر ممکن است صورت جانب‌دار، القایی، ذوقی یا انطباعی^{۹۷} داشته باشد؛ و دست آخر، توصیف و تشریح ممکن است ناظر به خود اثر یا به صاحب اثر (معمار) یا بستر و شرایط شکل‌گیری اثر باشد. حتی در نقد توصیفی نیز، توصیف ممکن است معطوف به ظاهر اثر یا روش استفاده از آن یا شیوه شکل گرفتن اثر باشد. با این توصیفات می‌توان دسته‌بندی سه‌گانه آتو را به دسته‌بندی کلی‌تری تبدیل کرد؛ به این معنا که پاره‌ای از نقدها معیاری تلقی شود و پاره‌ای دیگر غیرمعیاری، با این تفاوت که نقدهای غیرمعیاری را نیز می‌توان به دو حوزه تفسیری و توصیفی تقسیم کرد — اگرچه نقد معیاری نیز بی‌نیاز از شیوه‌های تفسیر و توصیف نیست.

با این حال، با تأملی دیگر در طبقه‌بندی آتو، می‌توان دسته‌بندی مذکور را دگرگون کرد و به صحت مرزبندیهای آن شک کرد؛ مثلاً کافی است که در تحلیل شرایط و زمینه‌های خارجی اثری در حوزه نقد زمینه‌ای، منتقد معتقد به آن باشد که اثر معماری محصول شرایط اجتماعی است. در این صورت، اگرچه وی در حوزه زمینه‌های اجتماعی سخن می‌گوید، معتقد به دکترین یا نظریه‌ای اجتماعی است و لذا بحث درباره زمینه‌های اجتماعی به عرصه نقد معیاری تعلق پیدا خواهد کرد. اساساً در مسائل و نکات خارجی مؤثر در شکل‌گیری بنا هم می‌توان به شکل معیاری تعمق کرد و هم به صورت تفسیری و یا توصیفی. بی‌تردید با ریزبینی بیشتر در طبقه‌بندی نقدهای آتو، می‌توان ابهامهای بیشتری یافت و به این ترتیب، در صحت و استحکام چنین نظامی تردید کرد.

باری، با این ملاحظات باید گفت که با مطالعه نظامها و صور نقادی معماری، آن‌گونه که وین آتو می‌اندیشیده است، می‌توان نقدهای مختلف را در اختلاط با فنون و تمهیدات و ترفندهای نقادانه و در مقایسه با مزه‌ها و طعمها و رنگ و بوهای مختلف دریافت؛ اما اگر با انصاف نظر کنیم درخواهیم یافت که به هر حال، تعداد شیوه‌های مورد ملاحظه او آن قدر هست که تصویری گسترده از عالم نقد معماری در پیش چشم قرار دهد و بنیان و بستر مناسبی برای ورود به عرصه

۹۶ ضوابط عام کمی، که غالباً همه آنها قابل ترجمه به ضوابط و احکام کمی معین در برنامه فیزیکی طراحی معماری است.

۹۷ نقد انطباعی معادل دیگر همان نقد ذوقی است. برخی از مترجمان کتابهای ادبی این معادل را اختیار کرده‌اند؛ فی‌المثل نک: رنه ولک، تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، ج ۴، بخش اول، ضمیمه دوم، قرن نوزدهم، (تهران، نیلوفر، ۱۳۷۷)، ص ۴۲۱؛ و همچنین نک: صالح حسینی، واژه‌نامه ادبی، (تهران، نیلوفر، ۱۳۷۵)، ص ۴۲.

تحقیق در این حیطه فراهم کند.

امر مهم دیگری که در کار مؤلف مذکور مشاهده می‌شود نداشتن قصد و نیتی استوار و نافذ در معرفی شیوه‌ای کامل و جامع برای نقد معماری است. او در مقدمه کتاب از آرزوی خود برای یافتن نقدی آینده‌نگر، که با آن بتوان راه درستی به آینده باز کرد، به اجمال سخن گفته و در فصل آخر نیز، همین آرزو را شرح و بسط داده؛ لیکن بخش اعظم کار او به شناخت نقد — آن چنان که تاکنون بوده — معطوف است. لذا کتاب او نظریه‌ای درباره نقد کامل و درست عرضه نمی‌کند؛ و شاید اگر او چنین نیتی داشت، نظام دیگری برای طبقه‌بندی نقدها معرفی می‌کرد.^{۹۸} در واقع اگر چنین نیتی داشت، درمی‌یافت که شیوه‌های استنتاجی و استخراجی او چنان درهم می‌لغزند و به هم می‌آمیزند که داوری درباره آنها ممکن نیست و نمی‌توان شیوه‌ای را از میان آنها به مثابه شیوه مطلوب استنباط کرد و یا به صورت جدید و کاملی از نقد معماری راه بُرد.^{۹۹} بر همین اساس به نظر می‌رسد که با وجود آنکه دسته‌بندی اتو بسیار آموزنده است، نمی‌توان این نظام را مبنایی برای مقایسه و داوری درباره انواع نقد معماری دانست.

از اعلام شعار و آرزوی نقد آینده‌نگر، آن هم تا به این حد کلی، چیزی عاید محقق نمی‌شود. البته دسته‌بندی وی، چون به هر حال پرده‌ای از حقایق موضوع نقادی برمی‌گیرد و سرانجام نوعی آگاهی به دست می‌دهد، می‌تواند راهی به آینده باز کند؛ به این معنا که تجارب مطلوب پیشین، مقدمه جستجوهای آتی شود و شناخت مواضع ضعف و اشتباهات گذشته سبب احتراز از آنها در آینده گردد. با این حال، طرح کلی نقد آینده‌نگر بدون پرداختن به اسباب و لوازم موضوع و تفحص در حقیقت نقد و نقادی و بدون داوری درباره کارهای انجام شده در این زمینه ثمری نخواهد داشت -

۹۸) بر وی، از این جهت ایرادی نیست؛ زیرا کتاب او را باید در عداد نخستین منابع جدی در حوزه نقد معماری دانست. بر این اساس می‌توان دریافت که تا زمان نوشته شدن کتاب مذکور، هنوز دست‌مایه کافی و چشم‌گیری برای توسعه تحقیق به جانب جستجوی نقد درست فراهم نبوده است.

۹۹) اگر هدف تحقیق تلاش برای شناخت آداب درست نقد آثار معماری باشد، آن‌گاه این هدف در شیوه دسته‌بندی انواع نقد مؤثر خواهد بود و شیوه تفکیک نحله‌های مختلف نقد جهتی متفاوت با مسیر کار اتو خواهد یافت.